





دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق گرایش جزا و جرم شناسی

مدت بازداشت موقت در نظام حقوقی ایران

استاد راهنما

دکتر ابوالحسن شاکری

استاد مشاور

دکتر کیومرث کلانتری

نگارش

رضا لشینی

دیماه ۱۳۹۹



تعهدنامه اصالت پایان نامه

بدینوسیله اینجانب **رضا لشینی** دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته **حقوق جزا و جرم شناسی** با شماره دانشجویی **۹۷۱۵۲۳۱۳۳۱۱۳** تعهد می‌نمایم که کلیه مطالب مندرج در این پایان نامه اینجانب / اینجانبه تحت عنوان **مدت بازداشت موقت در نظام حقوقی ایران** حاصل فعالیت پژوهشی خودم بوده که به راهنمایی یا مشاورت اساتید دانشگاه مازندران تهیه شده است و در هر جا که از دستاوردها یا آثار علمی دیگران استفاده شده با رعایت حقوق مالکیت معنوی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در متن پایان نامه، ارجاع داده شده و در منابع پایانی ذکر شده است.

این اثر پژوهشی قبلاً برای اخذ هیچ مدرک هم‌سطح، بالاتر یا پایین تر هیچیک از دانشگاه ها و موسسات دولتی یا غیردولتی ارائه نشده است، در صورت احراز تخلف و اثبات خلاف هر یک از موارد فوق، دانشگاه مازندران حق دارد بدون نیاز به حکمی از مراجع قضایی یا غیرقضایی، نسبت به ابطال مدرک تحصیلی اینجانب / اینجانبه اقدام کند و حق پیگیری قضایی موضوع نیز برای دانشگاه مازندران محفوظ است و اینجانب / اینجانبه حق هرگونه اعتراض را از خود ساقط می‌نمایم.

کلیه نتایج و حقوق حاصل از این اثر، متعلق به دانشگاه مازندران است و هرگونه استفاده از نتایج علمی و عملی، واگذاری اطلاعات به دیگران یا چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری ترجمه و اقتباس از پایان‌نامه، بدون موافقت دانشگاه مازندران یا استاد راهنما یا مشاور، ممنوع است، نقل مطالب با ذکر مآخذ بلامانع است.

صحت امضای دانشجو مورد گواهی است. نام و نام خانوادگی و امضاء دانشجو

مدیر گروه دانشکده

معاون پژوهشی دانشکده

تقدیم به

تمامی شهدای کشورم ایران،

زحمت کشان کادر درمان

و

تمامی کسانی که در عرصه علم و علم آموزی تلاش می کنند.

تقدیر و تشکر

از گروه محترم حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مازندران

آقایان:

دکتر شاکری

دکتر کلانتری

دکتر قدسی

دکتر هادی تبار

دکتر اله وردی

سرکار خانم دکتر صادقی

و

تمامی اساتیدی که کلمه ای از علم حقوق به این بنده آموختند.

چکیده

اصل برائت ایجاب می‌کند که قبل از اثبات جرم و صدور حکم محکومیت، هیچ‌گونه و محدودیت ممنوعیتی نسبت به متهم ایجاد نگردد. وجود دلایل قبل از صدور حکم و با در دسترس بودن متهم ایجاب می‌کند که وی تحت قرار تامین باشد. اگر مقام قضایی تشخیص دهد که باید قرار بازداشت صادر شود، طول مدت بازداشت اهمیت زیادی دارد. در جرائم و مجازاتهای مذکور در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مدت بازداشت دو ماه و در مابقی جرائم و مجازات‌ها مدت یکماه است؛ اما اگر نیاز به تمدید مدت بازداشت باشد، حداکثر طول مدت بازداشت مطابق با ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری با ضابطه‌های شناخته می‌شود. مبانی تعیین مدت بازداشت به منظور جلوگیری از تطویل دادرسی و ترغیب مقامات قضایی در فیصله دادن به دعوای کیفری است. با توجه به ماده ۴۳۴ قانون مجازات اسلامی حداکثر مدت بازداشت متهم فراری دهنده قتل تا زمان دستگیری محکوم به قصاص می‌باشد و اگر شخصی بیش از حداکثر مدت قانونی بازداشت باشد مستحق جبران است که با روش تحقیق تحلیلی به این موضوعات پرداخته شده است.

واژگان کلیدی : اصل برائت ، مدت بازداشت موقت، جبران خسارت

مقدمه..... ۱۰

الف) بیان مسئله..... ۱۰

ب) سؤال‌های پژوهش:..... ۱۳

پ) فرضیه‌های پژوهش:..... ۱۴

ت)پیشینه پژوهش:..... ۱۴

ج)ضرورت پژوهش:..... ۱۵

چ) روش پژوهش:..... ۱۵

ح) ساختار پژوهش:..... ۱۶

فصل اول : کلیات تحقیق..... ۱۷

۱_۱_ مفهوم شناسی..... ۱۸

۱_۱_۱_ آئین دادرسی کیفری..... ۱۸

۱_۱_۲_ بازداشت موقت..... ۱۹

۱_۲_ تاریخچه مدت بازداشت در نظام حقوقی ایران..... ۲۰

۱_۲_۱_ قبل از انقلاب..... ۲۰

۱_۲_۲_ بعد از انقلاب..... ۲۰

۱_۳_ مبانی مدت بازداشت موقت در نظام حقوقی ایران..... ۲۱

۱_۳_۱_ جلوگیری از تضییع حقوق متهم..... ۲۲

۱_۳_۱_ جلوگیری از اطاله دادرسی..... ۲۲

فصل دوم : شرایط لحاظ مدت بازداشت..... ۲۳

۱_۲_ مراجع صادر کننده..... ۲۴

۱_۱_۲_ ضابطین دادگستری..... ۲۵

۱_۲_۲_ دادرسا..... ۲۵

۱_۲_۳_ دادگاه..... ۲۶

۲۶..... ۲_۲ _ عنوان موجب بازداشت.....

۲۷..... ۲_۲ _ ۱_ قرار بازداشت موقت.....

۲۷..... ۲_۲ _ ۲_ قرار منتهی به بازداشت.....

۲۷..... ۲_۲ _ ۳_ دستور ضابطین دادگستری.....

۲۸..... ۲_۳ _ ملاک های تعیین زمان بازداشت.....

۲۸..... ۲_۳ _ ۱_ روز.....

۲۹..... ۲_۳ _ ۲_ سال.....

۳۰..... فصل سوم : طول مدت بازداشت.....

۳۱..... ۳_۱ _ طول مدت بازداشت بدون تمديد.....

۳۲..... ۳_۱ _ ۱_ در جرائم مشهود نزد ضابطین دادگستری.....

۳۲..... ۳_۱ _ ۲_ در جرائم با مجازاتهای مذکور در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی.....

۳۳..... ۳_۱ _ ۳_ در جرائم غیر از مجازاتهای مذکور در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی.....

۳۳..... ۳_۲ _ طول مدت بازداشت با تمديد.....

۳۴..... ۳_۲ _ ۱_ در جرائم موجب سلب حیات.....

۳۵..... ۳_۲ _ ۲_ در جرائم موجب حبس.....

۳۸..... ۳_۳ _ طول مدت بازداشت در سایر جرائم غیر از ماده ۲۴۲.....

۳۸..... ۳_۳ _ ۱_ طول مدت بازداشت در جرائمی با مجازات جزای نقدی یا شلاق.....

۴۰..... ۳_۳ _ ۲_ طول مدت بازداشت موقت در جرائمی با مجازات قانونی دیه.....

۴۱..... ۳_۳ _ ۳_ طول مدت بازداشت برای متهم فراری دهنده قتل.....

۴۳..... ۳_۴ _ طول مدت بازداشت در تعدد جرم.....

۴۴..... ۱-۴-۳- تعدد جرائم در زمان رسیدگی واحد.....

۴۵..... ۲-۳-۴- تعدد جرائم در صلاحیت ذاتی واحد.....

۴۷..... ۳-۳-۴- تعدد جرائم با رسیدگی در صلاحیت ذاتی متعدد.....

فصل چهارم: آثار تحمل مدت بازداشت..... ۴۹

۴_۱_ در صورت تبرئه متهم..... ۵۰

۴_۱_۱_ جبران خسارت..... ۵۰

۴_۱_۲_ عرضحال علیه مسبب بازداشت..... ۵۸

۴_۲_ در صورت محکومیت..... ۶۱

۴_۲_۱_ احتساب مدت بازداشت در حبس تعزیری..... ۶۱

۴_۲_۲_ احتساب مدت بازداشت در شلاق تعزیری یا جزای نقدی..... ۶۲

۴_۲_۳_ احتساب مدت بازداشت در سایر جرائم..... ۶۳

نتیجه گیری..... ۶۴

منابع..... ۶۶

چکیده انگلیسی..... ۷۰

مقدمه

مقدمه در این پایان نامه شامل بیان مسئله، سوال های پژوهش، فرضیه های پژوهش، پیشینه های پژوهش، ضرورت پژوهش، روش پژوهش و ساختار پژوهش است که به شرح زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) بیان مسئله

پس از وقوع جرم و حضور متهم نزد قاضی بنا به جهات مختلف از جمله در دسترس بودن او قانون گذار در ماده ۲۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری ده نوع قرار تامین از جمله قرار بازداشت موقت را پیش بینی کرده است که پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم در صورت وجود دلیل کافی انتساب جرم به متهم علیه او صادر می شود. قرار بازداشت موقت از میان تامین های مندرج در قانون آئین دادرسی کیفری اصلاحی مصوب ۱۳۹۴ از جهت سلب آزادی متهم شدید ترین قرار است که جز در موارد خاص صدور آن جایز نیست. شرایط صدور قرار بازداشت موقت در ماده ۲۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری دقیقاً شمرده شده است که در نگاه اول لزوماً می بایست در خصوص جرائم خاص و با لحاظ شرایط مذکور در ماده ۲۳۸ این قانون باشد. علاوه بر آن، آنجا که متهم عاجز از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه است مستند به ماده ۲۲۶ با صدور قرار منتهی به بازداشت، متهم بازداشت خواهد شد. در قانون آئین دادرسی کیفری علاوه بر قرار بازداشت موقت و قرار منتهی به بازداشت که با تصمیم قاضی یا قضات پرونده دادسرا یا دادگاه های بدوی و تجدیدنظر انجام

می گیرد به استناد صراحت ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری نیروهای انتظامی نیز در جرائم مشهود مجاز به بازداشت متهم حداکثر تا ۲۴ ساعت هستند که به استناد تبصره ۱ ماده ۲۴۲ قانون مذکور تماما در نصاب بازداشت قابل محاسبه می باشند.

در قانون محاکمات جزایی ۱۲۹۱ که متضمن مقررات بازداشت متهم هم بود بطور کلی به نصاب بازداشت متهم توجه شده بود. طبق تبصره ۲ ماده ۱۲۹ این قانون، بازپرس مکلف بود اگر متهم در امر جنایی تا چهار ماه و در امر جنحه تا دو ماه، به علت صدور قرار تأمین در توقیف ماند و پرونده اتهامی او منجر به صدور کیفرخواست نگردید، قرار بازداشت را فک نماید. با وضع قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ تقریباً همین مفهوم با عبارات دیگری در تبصره ۲ ماده ۱۲۳ مورد توجه قرار گرفت مهم تر از مهم اینکه در خصوص طول مدت بازداشت در ماده ۲۴۲ مقرر شده بود که مدت بازداشت متهم به ارتکاب جرم نباید از حداقل مجازات حبس همان جرم بیشتر باشد؛ بدها این اندازه از مقررات جامع همه پاسخ ها به چالش های مرتبط با نصاب مدت بازداشت نبود، لذا قانونگذار با وضع قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که در سال ۱۳۹۴ اصلاح گردید و در ماده ۲۴۲ این قانون به برخی از این چالش ها پاسخ داد ولی همچنان این سوالات مطرح است که طول مدت بازداشت موقت در جرائمی با مجازات دیه تا چه مدت است؟ و تعیین طول مدت بازداشت موقت در جرائمی با مجازات قانونی شلاق تا چه مدت است؟ و اگر شخصی بیش از حداکثر مدت قانونی بازداشت باشد آیا مستحق جبران است؟

مبانی تعیین طول مدت بازداشت متهم جلوگیری از تطویل دادرسی و ترغیب مقامات قضایی در فیصله دادن به دعوای کیفری (مؤذن زادگان، ۱۳۸۰: ۱۳۳) و مهم تر از آن تضييع حقوق متهم در صورت محکوم شدن به ارتکاب جرم است چراکه والا چه بسا ممکن است مدت بازداشت متهم بیشتر از مدت محکومیت او به حبس یا مجازات هایی باشد که قابل تبدیل به حبس هستند، لذا باید قائل بر این شد که حتی الامکان باید از بازداشت کردن متهم پرهیز کرد و با آن به عنوان یک مقررہ استثنائی برخورد نمود. مهم ترین تاثیر قرار بازداشت نسبت به متهم این است که منتهی به بازداشت وی می شود در حالی که برای متهم هنوز حکمی صادر نشده، متهم مجبور به گذران مدت توقیف خود در زندان و در کنار محکومان قطعی جرائم می شود؛ متهمی که ممکن است در پایان رسیدگی محکوم نشود یا علی رغم صدور حکم برای وی، مجازاتی غیر از زندان برای وی تعیین شود (Gottfredson and et. 1998:79-80). همچنین بازداشت متهم می تواند به لحاظ روان شناختی ذهنیتی منفی نسبت به متهم در ذهن مقامات رسیدگی کننده در مراحل بعد ایجاد کند (ibid:82-85). مقامات قضایی برای صدور این قرار که موجب سلب آزادی افراد می شود باید دقت عمل کافی را داشته باشند. همچنین علاوه بر دقت عمل، باید آزادی عمل قضات نیز در مورد صدور قرار بازداشت مورد بررسی قرار گیرد. آزادی عمل به مثابه قدرت تصمیم گیری متولیان عدالت کیفری از جمله افسران پلیس، مقامات تعقیب، دادرسان و مجریان احکام، از سوی چرخ فعالیت های روزمره دادگستری را به گردش در می آورد و از سوی دیگر موجد آثار مهمی بر زندگی مخاطبان عدالت کیفری است (Gelsthorpe and ed. 2003 walker 1193:4)، اما با

توجه به آزادی عمل در این زمینه بخش نامه های اداری در کنترل آزادی عمل قضات تا کنون ارائه شده است (McLaughlin 2001: 96). نکته ای دیگر که در خصوص بازداشت موقت حائز اهمیت است استفاده از قرار های جایگزین بازداشت موقت که در اسناد بین المللی مثل قواعد توکیو^۱ بدان اشاره شده که در ماده ۱ این سند به استفاده هرچه بیشتر از اقدامات جایگزین بازداشت موقت و حبس اذعان نموده است.

به منظور تحقیق و پاسخ به سوال های مطروحه و ابهامات مربوطه، جهت رسیدن به معیاری برای رسیدن به طول مدت بازداشت و آثار ناشی از تحمل آن با روش توصیفی _ تحلیلی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

ب) سؤال های پژوهش:

۱. مبانی تعیین مدت برای قرار بازداشت در نظام کیفری ایران چیست؟
۲. نصاب مدت بازداشت برای متهم فراری دهنده قتل به چه میزان است؟
۳. اگر شخصی بیش از حداکثر مدت قانونی بازداشت باشد آیا مستحق جبران است؟

1 . United nation standard miniman Rules for non-custodial Measures(The Tokyo Rules)

پ) فرضیه های پژوهش:

۱- مبانی تعیین مدت بازداشت به منظور جلوگیری از تطویل دادرسی و ترغیب مقامات

قضایی در فیصله دادن به دعوای کیفری است.

۲- با توجه به ماده ۴۳۴ قانون مجازات اسلامی حداکثر مدت بازداشت متهم فراری دهنده

قتل تا زمان دستگیری محکوم به قصاص می باشد.

۳- اگر شخصی بیش از حداکثر مدت قانونی بازداشت باشد مستحق جبران است.

ت) پیشینه پژوهش:

۱. الهی منش (۱۳۸۹)، در کتابی تحت عنوان «قرار بازداشت موقت و جایگزین های آن در

حقوق ایران و فرانسه» در صفحات ۷۸ تا ۸۰ مسائلی درباره بازداشت متهم در این کتاب

مطرح شده که عبارتند از: مفهوم و مبنای قرار بازداشت، هدف این قرار، انواع قرارها، طرق

مختلف رفع اثر بازداشت موقت و همچنین سیاست های متفاوت نسبت به قرار بازداشت

موقت و جایگزین های آن در دو نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه و ضرورت تعیین

مهلت معین برای مرجع تجدید نظر در رسیدگی به اعتراض به قرار بازداشت موقت است.

۲. خالقی (۱۳۹۳)، در کتابی تحت عنوان «آیین دادرسی کیفری» از صفحه ۲۴۸ تا ۲۶۳ در

خصوص بازداشت موقت نگاشته شده است. مدت بازداشت موقت یکی از مهم ترین

مطالبی است که در این مبحث مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. کریمی فیروزجایی (۱۳۹۳)، در پایان نامه ای تحت عنوان «بازداشت موقت در قانون آیین دادرسی کیفری» نگاشته شده است. در صفحات ۷۳ تا ۷۵ این پایان نامه به موضوع مدت بازداشت موقت اشاره است.

در خصوص مدت بازداشت موقت تا کنون پژوهشی مستقل تحت این عنوان مورد بررسی قرار نگرفته است و برای اولین بار این موضوع با توجه کتب و مقالات استایید بزرگ مورد بررسی قرار گرفته است.

ج) ضرورت پژوهش:

پرداختن به این بحث امر بسار مهمی و ضروری است چون از یک جهت حفظ منافع متهم و از جهت دیگری رعایت حق قربانی است. با توجه صدور چنین قراری تعیین مدت این قرار از درجه اهمیت بالای برخوردار است تا موجبی برای تضییع حقوق متهمی که در بازداشت به سر می برد نشود.

چ) روش پژوهش:

روش تحقیق در این پایان نامه تحلیلی توصیفی است که با استفاده از داده های کتابخانه ای بدست می آید که لازمه اش فیش برداری است .

ح) ساختار پژوهش:

این تحقیق به سه بخش تقسیم می شود و هر بخش فصل های مربوط به خودش را دارد. در فصل اول کلیاتی در خصوص مدت بازداشت موقت ذکر می شود. در فصل دوم درباره شرایط لحاظ مدت بازداشت که شامل مقامات شرایط صدور قرار بازداشت موقت و مقاماتی که صلاحیت صدور چنین قراری را دارند پرداخته است. در فصل سوم این پایان نامه به طول مدت بازداشت متهم در نزد محاکم قضایی مورد بررسی قرار گرفته شده است. فصل آخر نیز، به آثار ناشی از تحمل مدت بازداشت بعد از صدور حکم که ممکن است موجب حکم برائت یا محکومیت وی گردد.

فصل اول : کلیات تحقیق

در ابتدا به پیروی از سایر کتب و مقالات، بحث پیرامون مفاهیم، تاریخچه و مبانی ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۱_ مفهوم شناسی

در این پژوهش با توجه به این که کلماتی مورد استفاده خواهد شد، لازم است برخی مفاهیم که در اینجا مرور شود. مفاهیمی هم چون آئین دادرسی کیفری و بازداشت موقت، در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۱-۱_ آئین دادرسی کیفری

آیین دادرسی کیفری یکی از رشته‌های مهم علوم جنایی است که به مطالعه سازمان و تشکیلات مراجع قضایی و نحوه رسیدگی آن‌ها می‌پردازد. در این تعریف ساده می‌توان گفت که آئین دادرسی کیفری مجموعه‌ای از اصول و مقرراتی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم و تحقیق از او، تعیین صلاحیت و روش کار مراجع تحقیق و حکم و هم چنین تجدید نظر از تصمیمات آن‌ها و سرانجام چگونگی اجرای احکام کیفری وضع شده است. هم چنین قانونگذار در ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، آیین دادرسی کیفری را به دین گونه تعریف نموده است: آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رای، طرق اعتراض به آراء،

اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع میشود.

۱-۱-۲_ بازداشت موقت

بازداشت موقت به عنوان یک قرار تامین در لغت و اصطلاح مورد بررسی گرفته شده است. بازداشت در لغت به معنی منع و توقیف است (دهخدا، ۱۳۶۸، ج ۳: ۴۱۰۱) ولی در اصطلاح منظور از آن نگه داشتن متهم در طول تمام یا قسمتی از جریان تحقیقات مقدماتی است که امکان دارد تا خاتمه دادرسی و صدور حکم نهایی و شروع به اجرای آن ادامه یابد (آخوندی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۵۴). در ترمینولوژی حقوق بشر بین المللی نیز اصطلاح (بازداشت) به این شرح مورد تعریف قرار گرفته است: «بازداشت به دوره ای از محرومیت آزادی شخصی که از هنگام دستگیری یا توقیف شروع شده و تا زمانی که شخص مربوطه در اثر حکم نهایی به جهت اقدام مجرمانه اش زندانی یا آزاد می شود، اطلاق می گردد».^۱ هم چنین بازداشت در ادبیات حقوقی ایران غیر از حبس است، چراکه اولی ناظر به متهم در جریان رسیدگی و حبس مجازات محکوم به جرم بعد از رسیدگی است.

1. Conde, H. Victore, A Handbook of international Human Rights Terminology, Santa Barbara. CA: ABC- Clio, 2002, second Edition, p 56

۱_۲_ تاریخچه مدت بازداشت در نظام حقوقی ایران

سابقه بازداشت متهم به جرم در تاریخ خیلی معلوم نیست چه برسد به سابقه طول مدت بازداشت متهم که شاید بتوان گفت که اساسا مسبوق به سابقه نیست ولی در آموزه های اسلامی صرفا در خصوص قتل عمد آمده است که طول بازداشت متهم به قتل عمد شش روز است (نجفی، ۱۳۶۳: ۲۶۰). در قانون کیفری ایران می توان مدت بازداشت را در قانون محاکمات جزایی ۱۲۹۱ و بعد از آن در قوانین مصوب ۱۳۷۸ و قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مشاهده نمود.

۱_۲_۱_ قبل از انقلاب

در قانون محاکمات جزایی ۱۲۹۱ که متضمن مقررات بازداشت متهم هم بود بطور کلی به طول مدت بازداشت متهم توجه شده بود. طبق تبصره ۲ ماده ۱۲۹ این قانون، بازپرس مکلف بود اگر متهم در امر جنایی تا چهار ماه و در امر جنحه تا دو ماه، به علت صدور قرار تأمین در توقیف ماند و پرونده اتهامی او منجر به صدور کیفرخواست نگردید، قرار بازداشت را فک نماید.

۱_۲_۲_ بعد از انقلاب

در قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ مدت اعتبار قرار بازداشت موقت تا صدور حکم بدوی از دادگاه صالحه بود، مشروط بر این که مدت آن از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز نکند.

در بند «ط» قانون اصلاح تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ مدت های ۲ و ۴ ماه از قانون سابق اقتباس شده بود. بدین توضیح که مدت اعتبار قرار بازداشت موقت در جرائمی که رسیدگی به آن ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان بود، ۴ ماه و در بقیه جرائم که رسیدگی آنها در صلاحیت دادگاه های کیفری عمومی یا اختصاصی بود، ۲ ماه تعیین شده بود.

در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانون گذار تغییرات قابل توجهی در بحث طول مدت بازداشت ایجاد نمود که ماده ۲۴۲ این قانون در حال حاضر حاکمیت دارد.

۱_۳_ مبانی مدت بازداشت موقت در نظام حقوقی ایران

امروزه اسناد بین المللی و جامعه جهانی جهت حفظ حقوق متهم و عدم باقی ماندن بدون دلیل وی در بازداشت اعلام نموده اند که متهم باید ظرف مدت معقولی پس از بازداشت آزاد گردد یا مورد دادرسی قرار گیرد؛ از جمله بند ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می دارد: «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می شود باید وی را در اسرع وقت در محضر دادرس ... حاضر نمود و باید بعد از مدت معقول دادرسی آزاد شود». هم چنین بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی اساسی نیز بر این تصریح نموده است: «توقیف متهم نباید از مدت معقول تجاوز نماید». براین اساس می توان دو مبنا برای تعیین مدت بازداشت در نظام حقوقی ایران در نظر گرفت.

۱-۳-۱_ جلو گیری از تضییع حقوق متهم

یکی از اهداف مهم آئین دادرسی کیفری جلو گیری از تضییع حقوق متهم در طول روند دادرسی می باشد. بنابراین داشتن قوانینی کامل و واضح به تحقق این هدف کمک می نماید که مدت بازداشت موقت یکی از موضوعات مهم این قانون می باشد که عدم رعایت قوانین آن موجب تضییع حقوق متهم می شود.

۱-۳-۱_ جلو گیری از اطاله دادرسی

همان گونه که حفظ حقوق متهم یکی از موضوعات مهم دادرسی کیفری است، ممانعت از اطاله دادرسی نیز یکی از اصول مهم قانون آئین دادرسی کیفری است که قضات در رویه قضایی باید به آن توجه بسیاری بنمایند، بنابراین هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می شود باید وی را در اسرع وقت در محضر دادرس حاضر نمود و بعد از آن در طی مدت معقول به اتهام وی رسیدگی شود که در این باره ضروری متوجه بزه دیده نشود.

فصل دوم : شرایط لحاظ مدت بازداشت

در این فصل شرایطی که برای لحاظ مدت بازداشت، من الجمله مرجع صادرکننده قرار بازداشت موقت، عناوینی که متهم تحت آن بازداشت می شود و هم چنین ملاک های تعیین زمان بازداشت مورد بررسی قرار می گیرد.

۲-۱_ مراجع صادر کننده

به دلیل اهمیت قرار بازداشت موقت قانون گذار به صورت خاص، مقاماتی که صلاحیت صدور آن را دارند مشخص کرده است. قرار بازداشت موقت ممکن است توسط بازپرس یا دادیار صادر شود در هر صورت پرونده باید ظرف ۲۴ ساعت برای اظهار نظر دادستان نسبت به این قرار برای وی ارسال می شود. در صورت مخالفت دادستان با قرار بازداشت موقت باید از نظر دادستان پیروی کرد و متهم آزاد می شود و مقام صادر کننده باید قرار دیگری برای متهم در نظر بگیرد. دادستان هم می تواند از باز پرس تقاضا کند که قرار بازداشت متهم را صادر کند. در مقابل، بازپرس می تواند با این درخواست دادستان مخالفت کند در صورت حل اختلاف بین دادستان و بازپرس با دادگاه عمومی و انقلاب محل خواهد بود. اما اگر بین دادیار و دادستان اختلاف نظر نباشد، این قرار به متهم ابلاغ می شود و متهم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ حق اعتراض به قرار را

دارد. در این خصوص ضابطین دادگستری مجوز صدور قرار بازداشت را ندارند و به موجب دستور، متهم را مطابق با ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری بازداشت می نمایند.

۲_۱_۱_ ضابطین دادگستری

قانونگذار علاوه بر مراجع قضایی در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری این اجازه را به ضابطین دادگستری داده است که در جرائم مشهود به منظور تفهیم اتهام، متهم را به مدت ۲۴ ساعت بازداشت نمایند. این مدت به هیچ وجه قابل تمدید نخواهد بود و تخطی از این مقرر قانونی با مجازات مندرج در ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ همراه خواهد بود.

۲_۱_۲_ دادسرا

با جمع شرایطی که قانون گذار برای صدور بازداشت موقت در نظر گرفته است، بازپرس یا دادیار (در پرونده های که از جانب دادستان به دادیار جهت تحقیق ارجاع می شود) می تواند قرار بازداشت متهم را صادر نماید. به دلیل اهمیت این قرار و تاثیری که در آزادی متهم دارد، قرار بازداشت باید پس از صدور به نظر دادستان برسد تا این مقام نسبت به آن اظهار نظر نماید. بدین ترتیب، بازپرس پس از صدور قرار بازداشت، آن را فوراً برای اظهار نظر دادستان نزد او ارسال می کند. دادستان نیز با این قرار موافق است یا مخالف. در صورتی که دادستان با این قرار مخالف

باشد، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه صالح ارسال می شود(ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری) که در این صورت نظر دادگاه لازم الاتباع است.

۲_۱_۳_دادگاه

چنانچه پس از صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه قرار بازداشت صادر نشده باشد، دادگاه می تواند با جمع شرایط، قرار بازداشت صادر نماید، همچنین در مواردی که پرونده مستقماً در دادگاه مطرح می شود، دادگاه در مقام تحقیقات مقدماتی اگر لازم بداند، با جمع شرایط قرار بازداشت، اقدام به صدور آن می نماید.

۲_۲_عنوان موجب بازداشت

در حقوق کیفری ایران ممکن است اشخاص به دلایلی بازداشت شوند که قرار بازداشت موقت نمونه بارز آن می باشد که خودش گاهی به صورت مستقل و گاهی به علت عجز متهم از سپردن وثیقه یا عدم معرفی صادر می شود، هم چنین ضابطین دادگستری می توانند تحت شرایطی متهم را بازداشت نمایند که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

۲_۲_۱_قرار بازداشت موقت

قانونگذار موارد و شرایط صدور قرار بازداشت موقت را از قبل تعیین کرده است تا تنها با اجتماع آنها مقامات صالح بتواند چنین قراری را صادر نمایند. منظور از موارد صدور قرار بازداشت موقت جرائمی هستند که اگر شخصی متهم به ارتکاب آنها باشد، صدور قرار بازداشت در مورد او جایز است که در ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری تعیین شده است. این جرائم جرائم مهمی هستند که قانونگذار نخواسته است برای هر جرمی، مجوز قرار بازداشت صادر کند.

۲_۲_۲_قرار منتهی به بازداشت

نوع دیگری از بازداشت موقت، قرار های هستند که به بازداشت موقت منتهی می شوند. قرار وثیقه و قرار کفالت قرار های هستند که در صورت عجز متهم از سپردن وثیقه یا معرفی کفیل منتهی به بازداشت موقت متهم می شود. لازم به ذکر است قواعدی که در خصوص طول مدت بازداشت موقت ذکر می شود، در مورد قرار منتهی به بازداشت موقت نیز صادق است.

۲_۲_۳_دستور ضابطین دادگستری

نوع دیگری از بازداشت، بازداشت توسط ضابطین دادگستری می باشد که در این خصوص ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری بیان حکم می کند: «... چنانچه در جرائم مشهود، نگه داری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطین باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار

دهند.» از همین رو نیروی انتظامی به هیچ وجه نمی تواند این مدت را تمدید نماید و باید حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت بعد از بازداشت فرد را به نزد مقام قضایی ببرد، بنابراین ضمانت اجرای تخطی از این مقرر قانونی برای ضابطین دادگستری با مجازات مندرج در ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ همراه خواهد بود.

۲_۳_ ملاک های تعیین زمان بازداشت

برای لحاظ کردن مدت بازداشت ابتدا لازم است با ملاک های تعیین مدت بازداشت که قانونگذار از ملاک روز و سال استفاده کرده است که خود به نوبه ای با ابهام رو به رو است که در ادامه به این ابهامات پاسخ داده می شود.

۲_۳_۱_ روز

قانونگذار در تبصره ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار می دارد: «روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است» حال سوال این است اگر شخصی به مدت کمتر از یک روز مثلاً یک ساعت در بازداشت باشد آیا باید طول مدت بازداشت این شخص را یک روز حساب کرد؟ که در پاسخ به این سوال تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری حبس کمتر از ۲۴ ساعت را یک روز محسوب می کند.

۲_۳_۲_ سال

ملاک و معیار دیگری برای تعیین مدت بازداشت، معیار سال است، که سال را می توان برحسب سال هجری قمری یا سال هجری شمسی تقسیم نمود که در قانون اساسی ایران به هر دو قمری و شمسی اشاره شده که هر دو معتبر شناخته شده است. حال پرسشی که در این جا به نظر می رسد این است که آیا ملاک بهتر است سال قمری باشد یا سال شمسی؟

قانون گذار در قانون مجازات اسلامی ۹۲ سن مسئولیت کیفری در جرائم حد و قصاص سال قمری را مد نظر داشته و مسئولیت کیفری جرائم تعزیری را بر اساس سال شمسی در نظر گرفته است؛ از این حیث می توان گفت تمام مجازات های تعزیری بر حسب سال شمسی می باشد که طول مدت بازداشت موقت نیز از این حیث مستثنی نمی باشد.

فصل سوم : طول مدت بازداشت

در این فصل به منظور تحقیق و پاسخ به سوال های مطروحه و ابهامات مربوطه، جهت رسیدن به معیاری برای رسیدن به تعیین طول مدت بازداشت در جرائم مباحث ابتدا تحت عنوان طول مدت بدون تمدید مدت بازداشت، با تمدید مدت و سپس در خصوص موارد خاص مباحث تحت عنوان طول مدت بازداشت در تعدد جرم مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

۳_۱_ طول مدت بازداشت بدون تمدید

با توجه به صدر ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم موضوع بند های الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲ قانون مذکور حداکثر مدت بازداشت موقت دو ماه و در سایر جرائم یک ماه می باشد و چنانچه بعد از سپری شدن این مواعد پرونده متهم در دادسرا منتهی به صدور تصمیم نهایی نشود مرجع قضایی مکلف به فک یا تخفیف قرار است. موضوع این ماده، تعیین مدت برای بازداشت متهم در نتیجه قرار، اعم از قرار بازداشت موقت یا سایر قرار های بازداشت موقت یا سایر قرار های منجر به بازداشت (کفالت یا وثیقه)، و هم چنین تعیین تکلیف بازپرس برای باز بینی آن است. با توجه به این ماده حداکثر مدت بازداشت یک یا دومه باشد که با گذشت مدت های مذکور در این ماده، اصل بر فک یا تخفیف قرار و رهایی از بازداشت است؛ عمل به اصل نیاز مند توجیه و استدلال و صدور قرار ابقاء آن است (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۱۱) که بازداشت در این صورت غیر قانونی محسوب می شود و مستلزم جبران خسارت است.

۳_۱_۱_ در جرائم مشهود نزد ضابطین دادگستری

همانطور که گفته شد بازداشت توسط ضابطین دادگستری قانونگذار در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کفّری اشعار می دارد: «... چنانچه در جرائم مشهود، نگه داری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطین باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.» از همین رو نیروی انتظامی به هیچ وجه نمی تواند این مدت را تمدید نماید و باید حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت بعد از بازداشت فرد را به نزد مقام قضایی ببرد، بنابراین ضمانت اجرای تخطی از این مقرر قانونی برای ضابطین دادگستری با مجازات مندرج در ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ همراه خواهد بود.

۳_۱_۲_ در جرائم با مجازاتهای مذکور در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی

دادگاهها صلاحیت خود را به رسیدگی و صدور حکم زمانی اعمال می کنند که قانون آن را به رسمیت شناخته باشد، قانونگذار در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی کرده است که در جرائم با مجازاتهای مذکور در این ماده که در مقایسه با دیگر مجازاتها شدید هستند در صلاحیت دادگاه کیفری یک و مابقی در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ قرار گیرد، به همین اعتبار در

صدر ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است در جرائم موضوع بند های الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲ قانون مذکور حداکثر طول مدت بازداشت موقت دو ماه می باشد و چنانچه بعد از سپری شدن این مواعد پرونده متهم در دادسرا منتهی به صدور تصمیم نهایی نشود مرجع قضایی مکلف به فک یا تخفیف قرار است.

۳_۱_۳ در جرائم غیر از مجازاتهای مذکور در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی
در جرائم غیر از مجازاتهای مذکور در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری طول مدت بازداشت موقت یک ماه می باشد، که به نسبت جرائم موضوع بند های الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲ سبک تر محسوب می شوند، بنابراین حداکثر طول مدت بازداشت نمی تواند بیش از یک ماه باشد و چنانچه بعد از سپری شدن این مواعد پرونده متهم در دادسرا منتهی به صدور تصمیم نهایی نشود مرجع قضایی مکلف به فک یا تخفیف قرار است.

۳_۲ طول مدت بازداشت با تمدید
در طول مدت بازداشت موقت با تجدید مدت قانون گذار در ادامه ماده ۲۴۲ قانون مذکور بیان می کند «اگر علل موجهی برای بقاء قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می شود. متهم می تواند از این تصمیم ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند». باتوجه سطر آخر ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری می توان طول مدت

بازداشت موقت با تمدید مدت را، به طول مدت بازداشت موقت بر حسب مجازات های سلب حیات و در جرائم موجب حبس تقسیم نمود. البته این تقسیم بندی ناظر بر ماده ۲۴۲ می باشد و مواردی هستند که از ماده ۲۴۲ این قانون خروج حکمی دارند که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند.

۳_۲_۱ _ در جرائم موجب سلب حیات

در فقه اشاره اندکی به بحث بازداشت موقت شده است اما یکی از مهم ترین جرائمی که در متون فقهی درباره بازداشت متهم در آن بحث شده، قتل عمدی است که در کلام فقیهان مورد بررسی قرار گرفته است (منصوری، ۱۳۸۸: ۳۴). در این باره عده ای بازداشت را غیر مجاز دانسته اند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۱۲ - شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۲۳) که با توجه به اهمیت این جرم نمی توان این سخن را صحیح دانست. در مقابل تعداد زیادی از فقیهان و از جمله فقهای معاصر، برخی به صورت مطلق و عده ای با بیان قیودی، قبول جواز بازداشت متهم به قتل عمدی را پذیرفته اند (خمینی، ۱۳۶۸: ۵۳۳ - خویی، ۱۳۹۶: ۱۲۳) که پذیرش مطلق آن خالی از اشکال نیست. مهم ترین مستند قائلان به جواز حبس روایت سکونی از امام صادق (ع) است که حضرت فرمودند: پیامبر اکرم (ص) متهم به قتل را تا شش روز زندانی می کرد اگر اولیای دم بینه اقامه می نمودند براساس آن عمل می کرد و گرنه متهم را آزاد می ساخت». روایت ضعیف دانسته شده است ولی ظاهراً به دلیل جبران ضعف سند

به واسطه عمل اصحاب، قائلان به جواز، آن را مستند فتوای خود قرار داده اند^۱ (نجفی، ۱۳۶۳: ۲۶۰).

قانونگذار طول مدت بازداشت در جرائم با مجازات سلب حیات را حداکثر دو سال و در سال سایر حداکثر یک سال در نظر گرفته است، بنا براین اگر شخصی متهم به قتل عمدی باشد بعد از حداکثر مدت بازداشت که همان دو سال است به اتمام برسد باید آزاد شود و اگر از سپردن وثیقه یا معرفی کفیل عاجز باشد نباید مجدداً بازداشت شود زیرا از این حکم چنین می توان استنباط نمود که از نظر قانون گذار، متهمی که به اندازه نصاب های فوق در بازداشت بوده، به اندازه کافی برای تکمیل تحقیقات در دسترس مقامات قضایی بوده و نباید مجدداً و این بار تحت عنوان عجز از تودیع وثیقه یا معرفی کفیل، بازداشت شود.

۳_۲_۲ در جرائم موجب حبس

زمانی که مدت بازداشت موقت تمدید می شود باید به حداکثر مدت بازداشت موقت که در قانون مقرر شده است توجه شود تا موجب بازداشت غیر قانونی متهم نشود. در طول مدت بازداشت با حداقل مجازات قانونی، قانون گذار حداقل مجازات حبس مقرر در قانون را به عنوان حداکثر مدت بازداشت در نظر گرفته است.

۱. ان كان النبي (ص) كان يحبس في التهمة الدم سته ايام، فان جاء اولياء المقتول ببينه و الا خلى سبيله

در صورتی که حداقل مجازات بیش از یک سال باشد، در این حالت با توجه به قسمت ذیل ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می دارد «...در هر صورت در جرایم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرایم از یک سال تجاوز نمی کند.» بنابراین می توان به مدت یک سال با قرار بازداشت موقت فرد را در بازداشت نگه داشت و بقیه مدت را تا رسیدن به حداقل مجازات با سایر قرار تامین غیر از قرار بازداشت موقت آزاد نمود (خالقی، ۱۳۹۵:۲۶۱). با توجه به این فرض اگر قرار تامین جدیدی به جای قرار بازداشت موقت صادر شود و شخص از قرار مذکور تخلفی نماید که ضمانت اجرای تخلفی از آن صدور قرار بازداشت باشد، باید گفت در هیچ صورت نمی توان قرار بازداشت موقت بدل از آن قرار تامین صادر نمود زیرا شخص حداکثر مدتی که لازم بوده است تحت نظارت باشد تحمل نموده است و این بار به خاطر همان جرم مجدداً نمی توان قرار بازداشت صادر نمود.

لازم به ذکر است معیار حداقل مدت حبس مقرر در قانون به عنوان ملاک تعیین حداکثر مدت بازداشت، می تواند برای مجازات های حبسی که دارای حداقل و حداکثر هستند کارآمد باشد اما در مورد مجازات حبسی که فاقد چنین ویژگی باشد، حداکثر مدت بازداشت تا سقف مجازات قانونی همان جرم می باشد مشروط بر اینکه از یک سال تجاوز ننماید. در مورد سایر مجازات ها غیر از حبس مانند شلاق و جزای نقدی نمی توان این ضابطه را به عنوان ملاک قرار داد و برای

تعیین حداکثر مدت بازداشت به مواد ۵۱۶^۱ و ۵۲۹^۲ قانون آیین دادرسی کیفری توجه نمود (خالقی،

همان: ۲۸۰). پس برای تعیین طول مدت بازداشت در جرائمی که از ماده ۲۴۲ آیین دادرسی

کیفری خارج هستند باید عنوان جدا گانه ای مد نظر داشت.

۱. در مورد محکومیت به مجازات‌های جایگزین حبس، شلاق و جزای نقدی، ایام بازداشت قبلی موضوع ماده (۵۱۵) به شرح زیر محاسبه می‌شود

الف- به ازای هر روز بازداشت قبلی، یک روز جزای نقدی روزانه، هشت ساعت خدمات عمومی و پنج روز از دوره مراقبت کسر میشود

ب- در مورد محکومیت به شلاق به عنوان مجازات تعزیری به ازای هر روز بازداشت قبلی، سه ضربه از شلاق کسر میشود

پ- در مورد محکومیت به جزای نقدی، مطابق مقررات فصل مربوط به نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اقدام می‌شود

۲. هرکس به موجب حکم قطعی دادگاه به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد، اموال وی به وسیله مرجع اجرای حکم، شناسایی، توقیف و با رعایت مقررات راجع به مستثنیات دین از محل فروش آنها نسبت به اجرای حکم اقدام میشود. در صورت فقدان مال یا عدم شناسایی آن، مرجع اجرای حکم میتواند با توقیف بخشی از حقوق طبق قانون اجرای احکام مدنی و یا تمام یا بخشی از سایر درآمدهای محکوم علیه برای وصول جزای نقدی اقدام مقتضی به عمل آورد. در صورت تقاضای تقسیط از جانب محکوم علیه و احراز قدرت وی به پرداخت اقساط، دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجراء می‌شود میتواند با اخذ تضمین مناسب امر به تقسیط نماید هرگاه اجرای حکم به طرق مذکور ممکن نگردد با رعایت مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس به ترتیب زیر عمل میشود:

الف- در جزای نقدی تا پانزده میلیون ریال، هر سی هزار ریال به یک ساعت انجام خدمات عمومی رایگان تبدیل میشود

ب- در جزای نقدی بالای پانزده میلیون ریال، همچنین در صورت عدم شرایط اجرای بند (الف) این ماده، هر سیصد هزار ریال به یک روز حبس تبدیل میشود

۳_۳_ طول مدت بازداشت در سایر جرائم غیر از ماده ۲۴۲

به غیر از جرایمی که طول مدت بازداشت آن در ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مشخص شده است، جرائمی هستند که خروج حکمی از ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ دارند مثل طول مدت بازداشت در جرایمی که با مجازات جزای نقدی یا شلاق، دیه و طول مدت بازداشت برای متهم فراری دهنده قتل در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

۳_۳_۱_ طول مدت بازداشت در جرایمی با مجازات جزای نقدی یا شلاق

بدیهی است که معیار حداقل مدت حبس مقرر در قانون یا جرایمی با مجازات سلب حیات که یک یا دو سال است نمی تواند به عنوان ملاک تعیین حداکثر مدت بازداشت برای جرایمی باشد که مجازات قانونی آنها جزای نقدی یا سایر جرائم شلاق تعزیری، جزای نقدی و دیه باشد. با توجه به این که اگر متهم قبل صدور حکم بازداشت شود، مدت بازداشت قبلی وی در کاهش مجازاتی که به آن محکوم شده موثر است می توان از این معیار برای تعیین حداکثری مدت بازداشت استفاده نمود.

برای تعیین سایر مجازات ها، باید به مواد دیگری از قانون آیین دادرسی کیفری توجه شود که می توان در مورد جزای نقدی تبصره ۱ ماده ۵۲۹ را مورد توجه قرار داد که مطابق آن «چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم محکومیت قطعی به جزای نقدی، به دلیل اتهام یا اتهاماتی مطرح در پرونده در بازداشت بوده باشد، دادگاه پس از تعیین مجازات، ایام بازداشت قبلی را در ازای هر سیصد هزار یک روز، از مجازات تعیین شده کسر می کند...».

در مورد شلاق بند ب ماده ۵۱۶ مقرر می دارد « در مورد محکومیت به مجازات های ...شلاق...، ایام بازداشت قبلی ...به شرح زیر محاسبه می شود: ... ب) درمورد محکومیت به شلاق به عنوان مجازات تعزیری، به ازای هر روز بازداشت قبلی، سه ضربه از شلاق کسر می شود...».

زمانی که مدت بازداشت می تواند در کاهش مجازات تعزیری یا جزای نقدی موثر باشد می تواند در محدود ساختن نصاب مدت بازداشت نیز موثر باشد. بنابراین می توان برای اعمال حداکثر مدت بازداشت به معیار های فوق توجه نمود (خالقی، همان : ۲۶۲). لازم به ذکر است در صورتی که مجازات های فوق همراه با پرداخت دیه باشد مستند به نظریه مشورتی به شماره ۷/۹۵/۲۲ - ۱۳۹۵/۱/۸ دیه را از شمول ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن خارج دانست.

۱. در مواردی که مجازات قانونی جرم ارتكابی از سوی متهم غیر از حبس باشد، نظیر مواردی که مجازات قانونی پرداخت دیه است، از شمول ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی خارج است و در این موارد اتخاذ تصمیم در مورد نوع قرار تامین با لحاظ اصول کلی مربوط به قرارهای تامین و از جمله اصل تناسب تامین با قاضی ذی ربط خواهد بود، بنابراین در فرض سوال که اتهام مطروحه ایراد جرح عمدی با چاقو می باشد و مجنی علیه تقاضای مجازات تعزیری و نیز پرداخت دیه توسط متهم را دارد، هرچند از حیث جنبه تعزیری با توجه به ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ جرم ایراد جرح عمدی با چاقو دارای حداقل و حداکثر میزان حبس نیز می باشد، ولیکن با توجه به اینکه علاوه بر مجازات مزبور، متهم در صورت محکومیت، دیه را نیز که مطابق ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از انواع مجازات ها است، باید پرداخت نماید، بنابراین مورد مطروحه از شمول ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری خارج بوده و قرار تامین صادره باید با لحاظ اصل تناسب و رعایت قواعد و اصول کلی حاکم بر قرارها مورد توجه و اعمال نظر باشد، بدیهی است که در صورت اعلام گذشت شاکی خصوصی و اسقاط شکایت از حیث دیه، اعمال مقررات ماده ۲۴۲ قانون اخیرالذکر الزامی خواهد بود.

۳_۲_۳_ طول مدت بازداشت موقت در جرائمی با مجازات قانونی دیه

در مورد طول مدت بازداشت باید به این نکته توجه شود که مواعد تعیین شده بیشتر ناظر بر جرائمی هستند که مجازات قانونی آن ها حبس می باشد ولی در مواردی هم چون دیه نمی تواند ملاک مناسبی برای حداکثری مدت بازداشت متهم باشد.

با توجه به نظریه مشورتی فوق الذکر، دیه نیز هم چون شلاق و جزای نقدی از ماده ۲۴۲ خروج حکمی دارد و برای تعیین طول مدت بازداشت باید با لحاظ اصل تناسب و رعایت قواعد و اصول کلی حاکم بر قرارها مورد توجه و اعمال نظر باشد. بنابراین در صورتی که متهم به موجب مجازات پرداخت دیه بازداشت شود، نباید بیش از مدت یک سال در بازداشت بماند و با لحاظ اصل تناسب باید قرار متناسب برای وی صادر شود. در تایید این سخن می توان به صورت جلسه هیئت عالی در نشست قضایی اشاره نمود، که در مورد جرائمی که مجازات آنها غیر سلب حیات است در صورتی که متهم تا مدت یک سال بازداشت باشد مقام قضایی باید قرار تامین را تخفیف دهد (نشست قضایی، ۱۳۹۷)^۱ که در صورت تخطی از آن با وجود شرایط جبران خسارت، می تواند جبران خسارت ناشی از این مدت را مطالبه نماید.

۳_۳_۳_ طول مدت بازداشت برای متهم فراری دهنده قتل

در قانون مجازات اسلامی اگر شخصی متهم جرم ارتكابی را فراری دهد بنا بر شرایطی موجب

بازداشت شخص فراری دهنده می شود اما تعیین طول مدت بازداشت موقت باید برحسب قانون

مجازات اسلامی باشد یا برحسب مواعد مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری؟

ماده^۱ ۴۳۴ قانون مجازات اسلامی اشعار می دارد: ((هرگاه کسی فردی را که مرتکب جنایت

عمدی شده است فراری دهد، به تحویل وی الزام می شود. اگر در موارد قتل و جنایات بر عضو

که منجر به قطع یا نقص عضو یا از بین رفتن یکی از منافع آن شده است بازداشت فراری دهنده

موثر در حضور مرتکب یا الزام فراری دهنده به احضار مرتکب باشد، دادگاه باید با درخواست

صاحب حق قصاص تا زمان دستگیری مرتکب، فراری دهنده را بازداشت کند. اگر مرتکب پیش

از دستگیری بمیرد یا دستگیری وی معتذر شود یا صاحب حق قصاص رضایت دهد، فراری دهنده

آزاد می شود و...)).

در وهله نخست باید به شرایطی که موجب بازداشت شخص فراری دهنده می شود را مورد

بررسی قرار داد. باتوجه به ماده فوق، بازداشت فراری دهنده زمانی که موثر در حضور مرتکب یا

۱. هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل، دیه بر بیت المال خواهد بود. چنانچه پس از اخذ دیه، دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیر قتل، ممکن شود در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجنی علیه محفوظ است، لکن باید قبل از قصاص، دیه گرفته شده را برگرداند.

الزام فراری دهنده به احضار مرتکب باشد با درخواست صاحب حق قصاص تا زمان دستگیری مرتکب، فراری دهنده توسط دادگاه بازداشت می شود. به کار رفتن عبارت «فراری دهد» نشانگر آن است که، بر خلاف مواد ۵۴۹ و ۵۵۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در اینجا فرد فراری دهنده باید در این کار مباشرت داشته باشد و صرف ارائه طریق، مساعدت، تسهیل و راهنمایی و به عبارت دیگر معاونت در فرار شخص محکوم برای شمول ماده ۴۳۴ کفایت نمی کند (میر محمد صادقی، ۱۳۹۵: ۲۰۲).

روایتی که حریر از امام صادق (ع) درباره عده ای که قاتل را رهانیدند، فرمودند: کسانی که قاتل را ازدست اولیا خلاصی دادند حبس می شوند تا قاتل را بیاورند (عاملی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). ماده ۴۳۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد حداکثر مدت بازداشت شخص فراری دهنده تا زمان دستگیری مرتکب است و اگر مرتکب جرم پیش از دستگیری بمیرد یا دستگیری وی معتذر شود یا صاحب حق قصاص رضایت دهد، فراری دهنده آزاد می شود (مهدوی راد، ۱۳۹۰: ۲۱۵). آنچه به نظر می رسد ممکن است نوعی تعارض میان قانون آیین دادرسی کیفری با قانون مجازات اسلامی در خصوص طول مدت بازداشت وجود داشته باشد که حداکثر مدت بازداشت را فراتر از مواعد مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مشخص نموده است، اما با توجه به روایت مذکور و قانون مجازات اسلامی که قانون خاص است و قرینه ای بر نسخ آن نیست.

۳-۴_ طول مدت بازداشت در تعدد جرم

در مورد طول مدت بازداشت موقت در تعدد جرائم قانون گذار در مواد مربوط بازداشت موقت به حداکثر مدت بازداشت باتوجه به تعدد جرائم ارتكابی اشاره ای نکرده است. در این خصوص ماده ۲۱۷ ق آ.د.ک می گوید: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از... بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تامین زیر را صادر می کند:...» البته در این باره به شرایطی هم چون رسیدگی در زمان واحد یا متعدد و یا رسیدگی در صلاحیت ذاتی واحد یا متعدد باید توجه نمود. هم چنین ماده ۶ نظریه مشورتی به شماره^۱ ۷/۹۴/۹۱۷ مورخ ۱۳۹۴/۴/۱۰ اداره حقوقی اشعار می دارد: «در صورت تعدد جرایم

۱. الف- حداکثر مدت قرار بازداشت موقت در جرایم موجب مجازات سلب حیات دو سال و در سایر جرایم یک سال است و در جرایم موجب مجازات سلب حیات، مانند قتل عمدی پس از انقضای مهلت بازداشت موقت، امکان ادامه بازداشت متهم با قرارهای کفالت و وثیقه وجود دارد.

ب- در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس باشد، حبس نیز دارای حداقل و حداکثر باشد، مدت بازداشت متهم چه با قرار بازداشت موقت و چه با سایر قرارها بیش از حداقل مجازات قانونی نخواهد بود که در این موارد، با توجه به بند ۱ فوق مدت بازداشت موقت بیش از یک سال نیست. بنابراین، اگر مجازات جرمی ۲ تا ۱۰ سال حبس باشد، می توان متهم را یک سال با قرار بازداشت موقت و یک سال دیگر با قرار کفالت یا وثیقه بازداشت نمود.

ج- در مواردی که مجازات قانونی جرم، غیر از حبس باشد یا مجازات حبس، فاقد حداقل باشد، از شمول ماده ۲۴۲ خارج است و اتخاذ تصمیم در مورد نوع قرار تأمین با لحاظ اصول کلی مربوط به قرارهای تأمین و از جمله اصل تناسب تأمین با قاضی خواهد بود.

لازم به ذکر است که تبصره ۱ ماده ۲۴۲، صرفاً ناظر بر نحوه محاسبه مدت بازداشت متهم در دادسرا و دادگاه و نیز محاسبه مدت بازداشت ناشی از قرار بازداشت موقت و سایر قرارهای منتهی به بازداشت در هریک از فروض فوق است و متضمن حکم جداگانه ای نمی باشد.

۲- صراحت مفاد تبصره مذکور، حکایت از آن دارد که شامل قرارهای صادره از سوی دادگاه نیز بوده و چنانچه، پرونده در دادگاه مطرح شود و بازداشت متهم ادامه داشته باشد، دادگاه ملزم به رعایت سقف زمانی مذکور در ماده ۲۴۲ قانون مذکور می باشد.

ارتكابی از سوی متهم، نظر به اینکه قرار تأمین کیفری صادره نسبت به کلیه جرایم ارتكابی است، بنابراین حداکثر مدت بازداشت وی به لحاظ صدور قرار تأمین بالاترین حداقل مدت حبس تعیین شده در قانون برای جرایم مذکور، ملاک محاسبه خواهد بود». نکته ای که حائز اهمیت است و باید مورد بررسی قرار بگیرد تفاوت میان تعدد جرایم از حیث زمان ارتكاب و داشتن صلاحیت متعدد است.

۱-۴-۳- تعدد جرائم در زمان رسیدگی واحد

تعدد جرم به دو نوع تعدد واقعی (مادی) و تعدد عنوانی (اعتباری) تقسیم می شود. در تعدد مادی جرم، دادگاه با متهمی که مرتکب بیش از یک جرم شده است مواجه است، اعم از این که جرائم متعدد را توأمان و در زمان نزدیک به هم یا اینکه در زمان های کم و بیش طولانی مرتکب شده باشد (شمس ناتری؛ صادقی، ۱۳۹۸: ۲۲۹).

۱- در هر مورد که جرم انتسابی به متهم دارای مجازات حداقل حبس باشد، اعم از اینکه حبس مذکور توأم با سایر مجازات ها به نحو تخیری یا غیر تخیری باشد، حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای جرم منظور در مدت بازداشت متهم می باید مورد رعایت قرار گیرد.

۲- در صورت تعدد جرایم ارتكابی از سوی متهم، نظر به اینکه قرار تأمین کیفری صادره نسبت به کلیه جرایم ارتكابی است، بنابراین حداکثر مدت بازداشت وی به لحاظ صدور قرار تأمین بالاترین حداقل مدت حبس تعیین شده در قانون برای جرایم مذکور، ملاک محاسبه خواهد بود.

در موارد تعدد معنوی برای صدور بازداشت موقت مقام قضایی برای صدور آن با مشکلی روبه رو نخواهد شد، زیرا باتوجه به نظریه مشورتی فوق الذکر در صورت تعدد جرایم ارتكابی از سوی متهم، نظر به اینکه قرار تأمین کیفری صادره نسبت به کلیه جرایم ارتكابی است، بنابراین حداکثر مدت بازداشت وی به لحاظ صدور قرار تأمین بالاترین حداقل مدت حبس تعیین شده در قانون برای جرایم مذکور، ملاک محاسبه خواهد بود. بنا براین در خصوص تعدد معنوی و تعدد مادی که در یک زمان واحد به جرائم رسیدگی می شود می توان گفت با توجه دلایل یاد شده تنها یک قرار صادر می شود و حداکثر مدت آن نیز با توجه به جرم ارتكابی تعیین می شود.

۲-۳-۴- تعدد جرائم در صلاحیت ذاتی واحد

از آن جایی که طبق ماده ۳۱۰ قانون آ.د.ک جرائمی که دارای صلاحیت ذاتی واحدی هستند به نحو توأمان رسیدگی می شوند در اینصورت مستند به ماده ۲۱۸ قانون آئین دادرسی کیفر فقط یک قرار صادر می شود که ممکن است قرار بازداشت باشد در اینصورت متهم با لحاظ حداکثر مدت بازداشت یکی از جرائم ارتكابی اش در بازداشتگاه نگهداری می شود یعنی چون نمی توان برای هر جرم یک قرار بازداشت صادر کرد بنابراین نمی توان بیش از حداکثر مدت بازداشت وی را در بازداشتگاه نگهداری کرد. حال این بحث مطرح است که اگر پس از صدور قرار بازداشت متهم و اجرای حداکثر مدت بازداشت متهم تا زمان محاکمه آزاد شود و در این فاصله مرتکب جرم دیگری شود یا جرم دیگری که ارتكاب آن قبل از ارتكاب جرم اول بوده بعد از آن کشف

گردد و لزوماً به سبب ارتکاب جرم دیگری مورد تحقیق قرار گیرد در اینصورت هم باید برای متهم قرار تامین صادر گردد که چه بسا ممکن است قرار تامین صادره قرار بازداشت باشد که مدت قرار بازداشت به سبب ارتکاب جرم دوم در جمع با مدت قرار بازداشت به سبب ارتکاب جرم اول قرار می گیرد یعنی اگر متهم به سبب ارتکاب دو جرم که فقط باید علیه او یک قرار تامین مثلاً بازداشت صادر می شد فقط متحمل حداکثر مدت بازداشت یکی از این جرائم قرار می گرفت و به سبب جرم دیگر در بازداشت قرار نمی گرفت ولی حالا که در دو زمان پس از تحمل حداکثر مدت بازداشت به سبب یک جرم به سبب جرم دیگر علیه او قرار بازداشت صادر می گردد باید متحمل حداکثر مدت قرار بازداشت جرم دوم نیز گردد مگر اینکه حداکثر مدت بازداشت هر یک از جرائم ارتكابی متهم با هم تداخل کنند در اینصورت حداکثر مدت بازداشت هر یک از جرائم با کسر مدت تداخل با هم جمع می شوند مثلاً شخصی به موجب جرم کلاهبرداری بازداشت می شود و در اثنای مدت بازداشت موقت مرتکب جرم خیانت در امانت نیز شود و یا جرم خیانت در امانت بعد از وقوع کلاهبرداری کشف گردد و برای جرم مذکور قرار بازداشت صادر شود در اینجا باید گفت با توجه به تداخل قرار های بازداشت باید بنحوی عمل کرد که مدتی که شخص به موجب جرم کلاهبرداری بازداشت بوده، از مدت بازداشت جرم خیانت در امانت کسر شود.

۳-۳-۴- تعدد جرائم با رسیدگی در صلاحیت ذاتی متعدد

مرتکبین جرائم متعدد که طبق قانون لازم است به جرائم وی در دادگاههایی با صلاحیت های ذاتی متعدد رسیدگی شود مستند به ماده ۲۱۸ قانون آئین دادرسی کیفری هر مرجع قضائی اعم از دادسرا یا دادگاه قرار تامین جداگانه ای صادر می کند چنانچه قرارهای تامین صادره از این مراجع همگی از نوع قرار بازداشت باشد فقط می توان تا حداکثر مدت بازداشت به سبب یکی از جرائم متهم را در بازداشت نگه داشت البته این بشرطی است که کاملاً حداکثر مدت بازداشت این جرائم با هم همپوشانی داشته یا حداکثر مدت بازداشت جرمی داخل در حداکثر مدت بازداشت جرم دیگر باشد مثلاً فردی متهم به موجب جرم کلاهبرداری و قاچاق مواد مخدر باشد و برای این دو جرم قرار بازداشت موقت جدا گانه ای صادر شود که مدت هر دو یک سال باشد، حداکثر مدتی که میتوان متهم را در بازداشت نگه داشت یک سال است البته مشروط به این که اوقات بازداشت موقت با هم تداخل زمانی یا هم پوشانی داشته باشند اما اگر حداکثر مدت بازداشت این جرائم با هم همپوشانی یا تداخل نداشته یعنی صدور و اجرای قرار بازداشت هر یک از این جرائم در زمانی متفاوت از جرم دیگر باشد در اینصورت متهم با لحاظ حداکثر مدت بازداشت هر یک از این جرائم در بازداشتگاه نگهداری می شود بعبارت دیگر حداکثر مدت بازداشت های متهم به سبب ارتکاب هر جرم با هم جمع می شود مثلاً فردی متهم به جرم کلاهبرداری و قاچاق مواد مخدر باشد و برای این دو جرم قرار بازداشت موقت جدا گانه ای صادر شود که مدت هر دو یک سال باشد و از لحاظ زمان اجرای قرار بازداشت فاقد تداخل زمانی باشد، در این حالت با جمع

مدت بازداشت مواجه هستیم. حالت دیگری که ممکن است واقع شود اینست که متهم بعد از تحمل بخشی از مدت حداکثر مدت بازداشت یک جرم به سبب جرم دیگری مواجهه با صدور و اجرای قرار بازداشت گردد در اینصورت متهم به سبب این جرائم تا جمع حداکثر مدت بازداشت این جرائم در بازداشت نخواهد بود بلکه آن بخش از مدت بازداشت که همپوشانی دو یا چند حداکثر مدت بازداشت جرائم بوده است از جمع حداکثر بازداشت جرائم کسر خواهد شد مثلاً فردی متهم به جرم قتل عمدی و قاچاق مواد مخدر باشد و برای این دو جرم قرار بازداشت موقت جداگانه ای صادر شود، با این فرض که مدت بازداشت موقت جرم مواد یک سال باشد و متهم بدو به موجب جرم مواد مخدر در بازداشت باشد و بعد از آن با قرار بازداشت موقت جرم قتل عمدی مواجهه گردد باید مدتی که شخص به موجب جرم و مواد مخدر در بازداشت بوده، از مدت بازداشت قتل عمدی کسر گردد که در اینصورت حداکثر مدت بازداشت متهم به قتل عمدی یک سال می شود.

فصل چهارم: آثار تحمل مدت بازداشت

بعد از اتمام مدت بازداشت، حال باید دید که تحمل مدت بازداشت با چه آثاری همراه است. بعد از آن که مدت بازداشت تمام می شود یا متهم از عنوان اتهامی تبرئه می گردد و یا محکوم می شود که هر یک به نوبه ی خود دارای آثار متفاوتی هستند که این فصل مورد بررسی قرار گرفته می شود.

۴_۱_ در صورت تبرئه متهم

در بسیاری از موارد افراد به علت قرار بازداشت موقت یا سایر قرار های منتهی به بازداشت روانه بازداشتگاه می شوند، ولی پرونده به اثبات بیگناهی وی ختم می شود. قانونگذار ضرورت جبران خسارت از این افراد در موازین فقهی و اصل ۱۷۱ قانون اساسی به صورت خاص مورد توجه قرار داده است.

۴_۱_۱ جبران خسارت

جبران خسارت به عنوان اولین حق متضرر می باشد که مطابق ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری «اشخاصی که در جریان تحقیقات و دادرسی به هر علت بازداشت می شوند و از سوی مرجع قضایی، حکم برائت و منع تعقیب در مورد آنان صادر می شود می توانند ... خسارت ایام بازداشت را ... مطالبه نمایند».

نخستین شرط برای مطالبه خسارت موضوع ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری این است که ذینفع با صدور قرار، بازداشت شده باشد. هم چنین در مواردی که بازپرس مبادرت به صدور قرار کفالت و وثیقه می نماید و قرار صاده شده به دلیل عدم معرفی کفیل یا عدم ارائه وثیقه از سوی متهم، منتهی به بازداشت وی می گردد (ماده ۲۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری)، مفاد ماده ۲۵۵ قانون مذکور قابل اعمال می باشد. این معنی به صراحت از عبارت «به هر علت» که در ماده پیش گفته شد، استنباط می گردد(خالقی، ۱۳۹۵:۲۶۳). افزون بر این، با توجه به عبارت «در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی» مذکور در ماده ۲۵۵، نه تنها قرار های صادر شده از سوی دادسرا بلکه قرار های تامین کیفری منتهی به بازداشت موقت که دادگاه های کیفری صادر می نمایند نیز مشمول مواد ۲۵۵ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری قرار می گیرد. هم چنین جبران خسارت ناشی از تحت نظر بودن متهم توسط ضابطین نیز این حکم قابل اجراست.

دومین شرط اینست که شخص بازداشت شده در صورتی می تواند خسارت ناشی از مدت بازداشت را مطالبه نماید که دادرسی او، منتهی به صدور قرار منع تعقیب از سوی دادسرا یا حکم برائت از سوی دادگاه گردد(ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک). افزون بر این، درخواست مطالبه خسارت در صورتی پذیرفته می شود که قرار منع تعقیب یا حکم برائت قطعی صادر شده باشد(ماده ۲۵۷). بر همین اساس، اگر آیین رسیدگی به اتهام شخصی که مدت طولانی در بازداشت بوده است، منتهی به حکم محکومیت گردد، بازداشت مزبور، هر چند به مدت طولانی، نمی تواند مبنای مطالبه خسارت قرار گیرد.

پرسشی که می توان طرح نمود این است که در صورت بازداشت شخص در جریان تحقیقات و سپس صدور قرار موقوفی تعقیب به استناد ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری شخص بازداشت شده می تواند خسارت زمان بازداشت را درخواست کند؟

ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری به صدور قرار «حکم برائت یا منع تعقیب» به عنوان شرط مطالبه خسارت اشاره نموده و از قرار موقوفی تعقیب نامی نبرده شده است. خسارت شخص بازداشت شده در این مورد غیر قابل جبران اعلام و دلیل آن «عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم» دانسته شده است (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۶۴). در حقیقت، بازداشت شخص به هر دلیل و سپس عدم صدور حکم محکومیت وی، حق جبران خسارت را جز در موارد استثنایی و احصاء شده، برای شخص بازداشت شده به دنبال دارد. علاوه بر این دو شرط مطابق ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری شخص بازداشت شده مستحق

جبران خسارت نیست:

الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی گناهی خود باشد.

ب- به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد.

پ- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد.

ت- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

دعوای مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت منتهی به بی گناهی، دعوای مسئولیت مدنی

است؛ بنابراین اثبات تمامی ارکان دعوای مزبور، به استثنای تقصیر، ضروری است. مرجع رسیدگی

کننده - کمیسیون های استانی و ملی جبران خسارت نمی تواند در خصوص تقصیر یا خطای قاضی یا شخص ثالث در صدور قرار تامین کیفری منتهی به بازداشت و در نتیجه راجع به ذی حق بودن یا نبودن خواهان دعوا به دلیل پیش گفته اظهار نظر نمایند؛ زیرا با صدور رای براءت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب قطعی و احراز شرایط سلبی که در سطور بعدی مورد مطالبه قرار گیرد، شخص بی گناه بازداشت شده از حق مطالبه خسارت بهره مند می شود. پس کافی است تا ذینفع، ورود زیان و رابطه سببیت بین خسارت وارد شده و بازداشت موقت را اثبات نماید. خسارت قابل جبران و نیز چگونگی اثبات و احراز رابطه سببیت با توجه به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و اوضاع و احوال هر دعوا مشمول قاعده کلی است که در کتاب های مسئولیت مدنی گفته شده است^۱ و تکرار آن ها در این جا ضرورت ندارد. با این همه، ویژگی های خاص دعوای مطالبه خسارت ناشی از مدت بازداشت ایجاب می کند تا به برخی از جنبه های ارکان مسئولیت مدنی در دعوای مذکور اشاره شود.

الف) ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری خسارت قابل جبران را به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری احاله داده است؛ بنا براین شخص بازداشت شده می تواند «جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول را به موجب بازداشت موقت به وی وارد شده است، مطالبه نماید. نظام مسئولیت مدنی پیش بینی در این مورد، جبران همه خسارت وارد شده می

^۱. برای مطالعه درباره ارکان مسئولیت مدنی نگاه کنید به: ناصر کاتوزیان، الزام های خارج از قرارداد (جلد اول) ص ۲۳۹ به بعد

باشد؛ مشروط به اینکه خسارت مزبور و رابطه سببیت بین بازداشت و زیان وارد شده اثبات شود(بابایی، ۱۳۸۴: ۴۵).

ب) در موردی شخص بازداشت شده متحمل هزینه شده یا از در آمد مسلم خود در ایام بازداشت محروم شده باشد، این خسارت، در صورت احراز، قابل مطالبه است. اگر پست سازمانی شخص در مرت زمان بازداشت به حالت تعلیق در آمده باشد و پس آزادی مجددا در همان پست به فعالیت خود ادامه دهد، در آمد وی در حالت تعلیق قابل مطالبه است.

پ) خسارت معنوی ناشی از شوکی است که محرومیت از آزادی به شخص بازداشت شده وارد می نماید. وضعیت خانوادگی، روحی و شخصی متهم می تواند به عنوان معیار ارزیابی خسارت معنوی مورد توجه قرار گیرد. افزون بر این، مواردی همچون جدایی پدر یا مادر از تنها فرزند خود به دلیل بازداشت موقت در فرضی که شخص بازداشت شده تنها سرپرست طفل بوده است، هم چنین تولد فرزند در مدت بازداشت، جدایی پدر از فرزندى که تازه متولد شده است، دوری از خانواده به ویژه همسر و فرزندان به خصوص فرزندان بالغ و خرد سال، توجه به ویژگی های ناظر به شخصیت متهم، نحوه زندگى وی، سن و ... می تواند در ارزیابی خسارت معنوی تاثیر گذار باشد.

ت) خسارت ناشی از مدت بازداشت را می توان بر اساس هر روز بازداشت محاسبه نمود که تبصره ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری (سیصد هزار ریال) می تواند ملاکی حداقلی برای جبران خسارت ناشی از مدت بازداشت باشد. به همین خاطر برای تعیین خسارت، مدت بازداشت

باید به طور دقیق محاسبه شود. شروع مدت، روز بازداشت متهم است و روز آزادی وی نیز جزء مدت بازداشت وی محسوب می شود. بازداشت کمتر از یک روز نیز یک روز بازداشت محاسبه می شود.

ث) اگر متهم در مدت بازداشت به موجب جرم دیگری نیز تحت تعقیب قرار گرفته و در پرونده مزبور نیز برای وی قرار بازداشت موقت یا قرار تأمین منتهی به بازداشت صادر گردد و سپس نسبت به پرونده اول حکم برائت یا قرار منع تعقیب صادر شود و نسبت به پرونده دوم حکم محکومیت صادر شود، شخص بازداشت شده تنها می تواند خسارت ایام بازداشت تا شروع تاریخ بازداشت در پرونده دوم را مطالبه نماید. به دیگر سخن، از تاریخ بازداشت به دلیل اتهام دوم، متهم همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت بوده و بنابراین حق مطالبه خسارت برای وی وجود ندارد (بند ت ماده ۲۵۶ ق. آ. د. ک). اگر شخصی به اتهام ارتکاب چندین جرم تحت تعقیب گرفته و برای مجموعه جرایم انتسابی قرار بازداشت موقت یا قرار تأمین کیفری منتهی به بازداشت صادر شده باشد (ماده ۲۱۸) و پس از رسیدگی نسبت به برخی از جرایم قرار منع تعقیب یا برائت و نسبت به برخی دیگر رأی محکومیت صادر شود، در این صورت، چنانچه مدت بازداشت موقت شخص نسبت به جرمی که برای آن محکوم شده است، کمتر یا برابر با مدتی باشد که مطابق قانون بازداشت کردن متهم وجود دارد، در این صورت امکان مطالبه خسارت وجود ندارد. ولی در فرضی که مدت بازداشت بیش از آن باشد، متهم می تواند خسارت وارد شده را نسبت به ایام مازاد مطالبه نماید.

شرایطی که وجود آنها برای مطالبه خسارت ناشی از قرار بازداشت موقت ضروری است مورد مطالعه قرار گرفت. افزون بر شرایط ایجابی، فقدان برخی از شرایط نیز به منظور مطالبه خسارت ضروری است. به دیگر سخن، وجود شرایط مزبور، مطالبه خسارت را برای متهم بازداشت شده ممتنع مینماید؛ حتی اگر قرار منع تعقیب یا حکم برائت در خصوص اتهام انتسابی صادر شده باشد. ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک شرایط سلبی پیش گفته را پیش بینی نموده که در زیر به آنها پرداخته می شود. بر اساس این ماده، در صورت بازداشت شخص به دلایل مزبور، شخص بازداشت شده مستحق جبران خسارت نخواهد بود.

روشن است که در این فرض، مدارک، اسناد و ادله بیگناهی باید در اختیار شخص باشد و وی به صورت ارادی از ارائه آنها خودداری نماید. در حقیقت، شخصی که ادله بیگناهی خود را در اختیار داشته و علیرغم آگاهی و توانایی در ارائه آنها، مدارک مزبور را به منظور جلوگیری از بازداشت خود به مقام قضایی ارائه نمی نماید، بر اساس قاعده اقدام، به زیان خود اقدام و زمینه بازداشت خود را فراهم نموده است و بنابراین مستحق جبران خسارت نخواهد بود.

به منظور احراز این شرط، متهم بازداشت شده باید نقش فعالی را به منظور فراری دادن مرتکب جرم ایفا نماید؛ مانند اینکه به ارتکاب جرم - به نادرست - اقرار نماید و یا با حضور در صحنه جرم و در دست گرفتن ادوات جرم، خود را در معرض بازداشت قرار دهد. در این مورد نیز همانند بند پیشین، شخص به زیان خود اقدام کرده و بر اساس قاعده اقدام، برائت بعدی نیز نمی تواند حقی برای وی در مطالبه خسارت ناشی از بازداشت ایجاد نماید.

هرگاه متهم به اتهام ارتکاب دو یا چند جرم از سوی مراجع قضایی تحت تعقیب قرار گیرد و نسبت به هر یک از اتهامات به صورت جداگانه قرار تأمین کیفری صادر و قرارهای مزبور منتهی به بازداشت شود و سپس، نسبت به یکی از جرایم مزبور که به موجب آن بازداشت شده است، قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر و قطعی شود، در این صورت، متهم نمی تواند نسبت به زمان بازداشت خود ادعای مطالبه خسارت نمی نماید؛ زیرا در همان ایام و نسبت به اتهامات انتسابی دیگر نیز به موجب قرار جداگانه در بازداشت بوده است. در این موارد، متهم تنها در صورتی می تواند خسارت ناشی از بازداشت را مطالبه نماید که نسبت به همه اتهامات انتسابی به وی قرار منع تعقیب یا حکم برائت تحصیل کند.

با وجود بندهای (الف) و (ب) ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری (بازداشت شخص ناشی از خودداری در ارائه سند، مدارک و ادله بیگناهی باشد؛ به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام) مفاد بند (پ) ماده ۲۵۶ قانون پیش گفته ضروری به نظر نمی رسد. با این همه، علت منتسب به متهم که به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد» باید دلیل و مبنای بازداشت وی باشد. در غیر این صورت در امکان جبران خسارت شخص بازداشت شده تردید نباید کرد. در صورتیکه اقدام متهم، در کنار سایر دلایل، یکی از عوامل مؤثر در بازداشت وی باشد، خسارت وارد شده بر اساس تعدد اسباب و با توجه به میزان تأثیر هر یک از اسباب تعیین میگردد. سه بند نخست ماده ۲۹۹ ق.آ.د.ک به طور کلی ناظر به تقصیر متهم در فراهم نمودن زمینه بازداشت موقت است. به همین جهت، باید فرضی را که شخص متهم با تهدید یا اجبار، ناگزیر

خود را در مظان بازداشت قرار می دهد از شمول این بندها خارج دانست. جبران خسارت شخص بیگناه بازداشت شده اصل محسوب می شود. استثنائات اصل را باید به صورت مضیق تفسیر نمود.

۴_۱_۲_ عرضحال علیه مسبب بازداشت

بر اساس نظام عمومی مسئولیت مدنی دادرس، رسیدگی به دعوای مطالبه خسارت از دادرس پس از احرار تقصیر یا خطای قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات، در صلاحیت دادگاه «عمومی تهران» می باشد. (ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰). با این همه قانون گذار در ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری برای رسیدگی به دعوای مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت مرجع ویژه ای همچون کمیسیون استانی برای جبران خسارت در نظر گرفته است. کمیسیون استانی متشکل از سه نفر قضات دادگاه تجدید نظر استان به انتخاب رئیس قوه قضاییه است و در صورت ضرورت دارای شعب متعدد خواهد بود (مواد ۲ و ۳ آیین نامه) نخستین رسیدگی به درخواست های جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت می باشد. اطلاق عنوان کمیسیون این نهاد قانونی را از شمول مراجع قضایی خارج نمی نماید. این کمیسیون به عنوان یه مرجع قضایی اختصاصی و با ماهیت مدنی به درخواست های جبران خسارت ناشی از مدت بازداشت موقت رسیدگی می کند.

خواننده ی دعوای جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت، منحصرأ دولت است؛ اعم از اینکه خطا یا تقصیر قاضی باشد. نماینده دولت به منظور حضور در دادرسی نیز، وزارت دادگستری

است (مواد ۲۵۵ و ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری). با این همه، عدم تعیین خواننده در درخواست مطالبه خسارت نباید مانعی برای پذیرش و رسیدگی به آن تلقی شود؛ زیرا همانگونه که گفته شد، خواننده دعوا- وزارت دادگستری- به موجب قانون تعیین شده و دادگاه نیز رأساً مکلف است خواننده را به دادرسی دعوت نماید. این تفسیر به ویژه از ظاهر تبصره ماده ۳۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری که دادگاه را مکلف نموده تا وزارت دادگستری را نیز به جلسات دادرسی دعوت آیین نامه که شرایط درخواست را احصا نموده و در آن به ضرورت تعیین خواننده اشاره نشده است، استنباط می‌گردد.

پرسشی که ممکن است در این باره طرح شود این است که آیا ذینفع می تواند دعوای خود را همزمان علیه دولت و قاضی طرح کند و یا از اقامه دعوا علیه دولت صرف نظر کرده و دعوا را به طور مستقیم علیه قاضی اقامه نماید؟

در پاسخ به پرسش یاد شده ممکن است گفته شود که مطالبه خسارت از دولت امتیازی است که قانون گذار به شخص بازداشت شده اعطا نموده و این امتیاز مانعی برای وی در مراجعه به مسئول اصلی خسارت ایجاد نمی کند که می تواند بعد از اثبات تقصیر قاضی در داسرا و دادگاه انتظامی سپس علیه او طرح دعوا نماید. برخلاف نظام عمومی مسئولیت مدنی دادرس، رسیدگی کمیسیون استانی به درخواست جبران خسارت منوط به اظهار نظر قبلی دادگاه انتظامی قضات نمی باشد. آیین نامه شیوه رسیدگی و اجرای آرای کمیسیونهای استانی و ملی شرایط و شیوه رسیدگی به درخواست جبران خسارت را به اجمال مشخص نموده است. در عین حال، با توجه به ماهیت مدنی

دعوا و مرجع رسیدگی کننده نسبت به مواردی که در آیین نامه سکوت اختیار شده است، بر اساس اصول و قواعد دادرسی مدنی و مقررات قانون آیین دادرسی عمل میشود. درهرحال، خواهان باید در درخواست خود افزون بر مشخصات خویش، به شعبه بازداشت کننده و شعبه صادرکننده قرار منع تعقیب یا رأی براءت قطعی، مدت بازداشت، میزان و نوع خسارات وارده اشاره و مدارک مثبت خواسته (از جمله تصویر مصدق قرار منع تعقیب یا رأی براءت) را نیز پیوست نماید (ماده ۸ آیین نامه). در صورت عدم رعایت شرایط پیش گفته، مدیر دفتر کمیسیون استانی ظرف مدت دو روز مراتب را جهت رفع نقایص مربوطه با اعلام مهلت ده روز به متقاضی اطلاع می دهد (ماده ۱۳ آیین نامه). ضمانت اجرای عدم رفع نقایص در آیین نامه تعیین نشده و به بیان عبارت اتخاذ تصمیم توسط رئیس کمیسیون، به نظر میرسد، توسط رئیس کمیسیون اکتفا شده است. با این همه، تصمیم کمیسیون مطابق ملاک مواد ۵۳ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی اتخاذ خواهد شد.

کمیسیون رأساً یا به درخواست خواهان، می تواند در صورت لزوم، اسناد یا اطلاعات مرتبط و مؤثر در دادرسی و نیز پرونده کیفری را از مرجع کیفری مربوط یا سایر مراجع و مؤسسات جهت مطالعه مطالبه نمایند (ماده ۲۰ آیین نامه و تیره ۲ ذیل آن و ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی). ذینفع در صورت امکان، میزان خسارات مادی و معنوی مورد مطالبه را تعیین و مدارک آن را به ضمیمه درخواست تقدیم می نماید. مدارک و ادله مثبت خسارات مورد مطالبه میتواند سند رسمی

یا عادی، شهادت شهود و تقاضای کارشناسی باشد. جلسه یا جلسات رسیدگی که در صورت نیاز تشکیل می گردد (ماده ۱۲ آیین نامه) جز در مورد استثنایی، به صورت علنی برگزار می شود.

۴_۲_ در صورت محکومیت

چنانچه حکم قطعی صادر شود و متهم به خاطر آن اتهام و به موجب قرار بازداشت موقت، بازداشت شده باشد، در صورت محکومیت وی عدالت اقتضا می کند که ایام بازداشت قبلی از میزان محکومیت وی کسر و محاسبه گردد که در اینجا احتساب مدت بازداشت در حبس، شلاق و جزای نقدی مورد بررسی قرار گرفته است.

۴_۲_۱_ احتساب مدت بازداشت در حبس تعزیری

همانطور که گفته شد عدالت اقتضا می کند اگر متهم در مراحل تحقیق و رسیدگی به علت همان اتهام بازداشت شده باشد، سرانجام رسیدگی ختم به محکومیت وی گردد، بازداشت قبلی از میزان محکومیت وی کسر و محاسبه می شود (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۱۵۷). بر همین اساس به موجب ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ پیش بینی شده است که: «مدت حبس از روزی آغاز می شود که محکوم، به موجب حکم قطعی لازم الاجراء حبس گردد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی در پرونده مطرح بوده بازداشت باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم

وی محاسبه می شود...» که علاوه بر ذکر آن در قانون مجازات اسلامی ۹۲ در ماده ۵۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری این موضوع مورد توجه واقع شده است.

۴_۲_۲_ احتساب مدت بازداشت در شلاق تعزیری یا جزای نقدی

قانونگذار در ماده ۵۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری علاوه بر ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ احتساب مدت بازداشت در محکومیت اشخاص را به صورت زیر مورد بررسی قرار داده است که:

۱. در مورد محکومیت به مجازات‌های جایگزین حبس، شلاق و جزای نقدی، ایام بازداشت قبلی

موضوع ماده (۵۱۵) به شرح زیر محاسبه می‌شود:

الف- به ازای هر روز بازداشت قبلی، یک روز جزای نقدی روزانه، هشت ساعت خدمات عمومی

و پنج روز از دوره مراقبت کسر می شود

ب- در مورد محکومیت به شلاق به عنوان مجازات تعزیری به ازای هر روز بازداشت قبلی، سه

ضربه از شلاق کسر می شود

پ- در مورد محکومیت به جزای نقدی، مطابق مقررات فصل مربوط به نحوه اجرای

محکومیت‌های مالی اقدام می‌شود.

۴_۲_۳_ احتساب مدت بازداشت در سایر جرائم

بعد از بررسی احتساب مدت بازداشت در جرائمی که مجازات آن ها حبس یا شلاق (تعزیری) و جزای نقدی می باشد حال باید دید که احتساب مدت بازداشت در سایر جرائم حدی با قصاص به چه صورت می باشد؟

قانون گذار در این خصوص حکمی را بیان نکرده است که منطقا به خاطر داشتن احکام خاصی که بر حدود و قصاص مترتب است پاسخ آن کاملا مشخص است که مجازات لایتغیر می باشد. از این رو می توان تفاوتی که میان مدت بازداشت موقت در دوره احتساب آن در مجازات ها، با جبران خسارت ناشی از آن در این جا پی برد که مدت بازداشت موقت (چه برای جرائم تعزیری یا جرائم حدود و قصاص) قابل جبران خسارت است، اما احتساب مدت صرفا در جرائم تعزیری امکان پذیر است.

نکته ای دیگری که در اینجا قابل توجه است علاوه بر مجازات حدود و قصاص که ایام بازداشت قبلی در مورد آن محاسبه نمی شود به موجب تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی این امر در مورد تعزیرات منصوص شرعی نیز منع شده است.

نتیجه گیری

قرار تأمین کیفری که پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی توسط قاضی تحقیق صادر می شود از این حیث دارای اهمیت ویژه ای است؛ زیرا از یک طرف حاکمیت اصل برائت ایجاب می کند که قبل از اثبات جرم و صدور حکم محکومیت متهم، هیچ گونه محدودیت و ممنوعیتی نسبت به اموال یا آزادی وی ایجاد نگردد. اگر مقام قضایی تشخیص داد که از میان قرار های تأمین، باید قرار بازداشت موقت را به عنوان تأمین مناسب صادر نماید. صدور قرار بازداشت موقت را می توان توسط دادرسی و دادگاه در نظر گرفت که بازداشت در دادرسی توسط بازپرس و در پرونده های که از جانب دادستان به دایر ها ارجاع می شوند و در دادگاه توسط مقام قضایی صادر می شود، هم چنین مقنن در ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری این اجازه را به ضابطین دادگستری داده است که در جرائم مشهود بتوانند متهم را حداکثر تا ۲۴ ساعت بازداشت نمایند. نکته بعدی در مورد طول مدت بازداشت، که در وهله اول اصل بر عدم تمدید دوره ی آن می باشد که در این صورت طول مدت بازداشت در جرائم ۳۰۲ قانون آیین دادرسی حداکثر دو ماه و در سایر جرائم یک ماه است. اما با این وجود قانونگذار این اجازه را به مقامات قضایی داده است که بتوانند این مدت را در جرائم سالب حیات حداکثر دو سال و در سایر جرائم یک سال تمدید نماید که باید توجه نمود، بازداشت توسط ضابطین دادگستری به هیچ وجه قابل تمدید نیست. هم چنین ضابطه دیگری برای تعیین طول مدت بازداشت در نظر گرفته شده است که با حداقل مجازات قانونی برای حبس های که دارای حداقل یا حداکثر هستند، منطقی به نظر می

رسد. درخصوص طول مدت بازداشت موقت در تعدد جرائم از حیث رسیدگی در زمان واحد یا صلاحیت مرجع رسیدگی کننده نیز تفکیک قائل شد. با صدور قرار های بازداشت متعدد در یک زمان واحد موجب تداخل اوقات مدت بازداشت متهم می شود به گونه ای که، موجب تداخل مدت قرار بازداشت جدید در بازداشت قبلی می شود. بعد از اتمام مدت بازداشت، حال باید دید که تحمل مدت بازداشت با چه آثاری همراه است. بعد از آن که مدت بازداشت تمام می شود یا متهم از عنوان اتهامی تبرئه می گردد و یا محکوم می شود که هر یک به نوبه ی خود دارای آثار متفاوتی هستند .

منابع

کتاب فارسی و عربی

۱- آخوندی، محمود (۱۳۸۴). **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: سازمان

چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، **عدالت کیفری «مجموعه مقالات»**، چاپ اول، تهران: گنج دانش.

۳- الهی منش، محمدرضا (۱۳۸۹)، **قرار بازداشت موقت و جایگزینهای آن در حقوق**

ایران و فرانسه، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد

۴- حر عاملی، محمد حسن (۱۳۸۷). **وسائل الشیعه**، قم: ذوی القربی.

۵- خالقی، علی (۱۳۹۵). **آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران: انتشارات شهردانش.

۶- خالقی، علی (۱۳۹۵). **نکته ها آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران: انتشارات

شهردانش.

۷- خمینی، روح الله (۱۳۶۸). **تحریر الوسیله**، چاپ اول، قم: درالعلم.

۸- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۸). **فرهنگ لغت دهخدا**، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاه

تهران.

۹- عاملی، زین الدین (بی تا). **لمعه الدمشقیه**، جلد اول، بی جا.

۱۰- طهماسبی، جواد (۱۳۹۴). **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات

میزان.

۱۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، الزام های خارج از قرارداد، چاپ سیزدهم، تهران: موسسه

انتشارات دانشگاه تهران.

۱۲- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۳). جرائم علیه اشخاص، چاپ بیست و ششم، تهران:

انتشارات میزان.

۱۳- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۳). جواهر الکلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مقالات فارسی

۱۴- شمس ناتری، محمد ابراهیم، صادقی، فرهاد (۱۳۹۸). چالش های مربوط به تعدد

عنوانی در جرائم تعزیری، فصلنامه پژوهش های حقوق کیفری، شماره بیست و هشتم.

۱۵- منصوری، سید مهدی (۱۳۸۸). مبانی فقهی بازداشت موقت در جرائم علیه تمامیت

جسمانی، مجله حقوق اسلامی، شماره بیست و یکم.

۱۶- مهدوی راد، وحید (۱۳۹۰). تحلیل مبانی فقهی جرم فراری دهنده محکوم به

قصاص، فقه اصول، شماره شصت و پنج.

۱۷- مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۸۰). نقد و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون آیین

دادرسی، مجله ی پژوهش حقوق و سیاست، شماره چهارم.

۱۸- مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۷۳)، حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه

تطبیقی آن، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۹- یزدانیان، محمدرضا (۱۳۸۱)، **ضوابط و قواعد خاص حاکم بر بازداشت موقت**، مجله

قضایی و حقوقی دادگستری، شماره چهارم.

۲۰- یزدانیان، محمدرضا (۱۳۹۴)، **نوآوری های قانون جدید آیین دادرسی کیفری در**

مورد بازداشت موقت، نشریه کارآگاه، شماره سی و یکم.

منابع انگلیسی

21- Gelsthorpe, Loraine and et al. (2003). *Exercising Discretion Decision Making in the Criminal Justice System and Beyond*, Willan

Publishing.

22- Gottfredson, Michael R. and et al. (1998). *Decision Making in Criminal Justice, Toward the Rational Exercise of Discretion*, Springer Science Business Media, LLC.

23- McLaughlin, Eugene (2001). *Discretion in Sage Dictionary of Criminology*, Eugene McLaughlin (editor), SAGE Publications.

قوانین و مقررات

۲۴- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۲۵- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸

۲۶- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰

۲۷- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۲۸- قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰

۲۹- آیین نامه شیوه رسیدگی و اجرایی آرای استانی و ملی جبران خسارت

۳۰- نظریه مشورتی به شماره ۷/۹۵/۲۲ مورخ ۱۳۹۵/۱/۸

۳۱- نظریه مشورتی به شماره ۷/۹۴/۹۱۷ مورخ ۱۳۹۴/۴/۱۰

Abstrac

The acquittal principle requires that there should be no restrictions or restrictions on the defendant before proving the offense. The existence of the reasons before the issuance of the verdict and the availability of the defendant demands that he be provided. If the judicial authority recognizes that it is necessary to issue an arrest, the length of detention will be of great importance. In crimes and punishments mentioned in Article 302, the criminal procedure procedure has been held for two months and in the rest of the offences and penalties for a month; but if the prisoner is required to extend the term of detention, the maximum term detention term in accordance with Article 242 of the penal procedure procedure is known to the three criteria, but if the defendant's status is not in any of the three criteria, there is no clear criteria in the law. The basis for determining the length of detention in order to prevent the extension of the trial is to persuade the judicial authorities to decide on the criminal case. According to Article 434 of the Islamic Penal Code, the maximum period of detention of a fugitive murderer is sentenced to retaliation until his arrest, and if a person is detained for more than the legal period, he is entitled to compensation.

Keyword : *Principle of innocence, period of temporary detention, compensation*

Copyright University of Mazandarn ©2020

All right reserved. No parts of publication may be reproduced, stored in the retrieval system or transmitted, in any form or means, electronic, mechanical, Photocopying. Recording or others ways, without the prior written permission of University of Mazandaran.



University of Mazandaran
Faculty of Law and Political Science

A Dissertation

Submitted in Partial Fulfillment for the Degree of Master of science (M.Sc)
In Criminal Law and Criminology

Duration of temporary detention in the Iranian legal system

By

R. Lashini

Supervisor

Dr. A. Shakeri

Advisor

Dr. K. Kalantari

(2020)